

هُوَالله-ای انجمن محترم عالم انسانی از این نیت خیریه...

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



هُوَالله

ای انجمن محترم عالم انسانی¹ از این نیت خیریه و علویت مقاصد که دارید باید مورد شکرانیت جمیع بشر گردید کل از شما ممنون و خوشنود باشند که ببدل چنین همتی پرداختید که سبب آسایش عموم بشر است. زیرا راحت و آسایش عالم آفرینش در تحسین اخلاق عمومی عالم انسانی است. و اعظم وسیله بجهت تربیت اخلاق علو همت و توسیع افکار است. باید عالم انسانیرا باین منقبت عظیمه دعوت نمود. ملاحظه فرمائید که مبادی مرعیه اصلیه هر فردی از افراد بشر جلب منفعت خویش و دفع مضرت است. در فکر آسایش و شادمانی خود است و آرزوی تفرّد در زندگانی مینماید. و میکوشد که از جمیع افراد دیگر راحت و ثروت و عزّت ممتاز گردد. این است آرزوی هر فردی از افراد بشر و این نهایت دنائت و بدبختی و پستی فکر است.

انسان چون اندکی ترقی فکریابد و همتش بلند گردد. در فکر آن افتد که عموم عائله را جلب منفعت و دفع مضرت نماید. زیرا در راحت و نعمت عموم خاندان خویش را سعادت خود داند. و چون فکرش توسع بیشتر یابد و همتش بلندتر گردد در فکر آن افتد که ابناء ملت و ابناء وطن خویش را جالب منفعت و دافع مضرت شود. هر چند این همت و فکر از برای خود او و خاندان او بلکه عموم ابناء ملت و وطن او مفید است. ولكن

¹ بواسطه منشی محفل امة الله س. ا. ج. وایزر ذمک

اعضاء محفل اجرائیه کنگرس صلح عمومی در هولاند



ORIGINAL



AUDIO

از برای ملل سائره مورث ضرر است. زیرا بجان بکوشد که جمیع منافع عالم انسانیرا راجع بملت خویش و فوائد روی ارض بعائله خود وسعادت کلیه عالم انسانیرا تخصیص بخود دهد. و همچو داند که ملل سائره و دول مجاوره هر چه تدنی نمایند ملت خویش و وطن خود ترقی نماید تا در قوت و ثروت و اقتدار باین وسیله بر سائرین تفوق یابد و غلبه کند.

اما انسان الهی و شخص آسمانی از این قیود مبراست و وسعت افکار و علویت همت او در نهایت درجه است و دائره افکار او چنان اتساع یابد که منفعت عموم بشر را اساس سعادت هر فردی از بشر داند و مضرت کل ملل و دول را عین مضرت دولت و ملت خویش بلکه خاندان خود بلکه عین مضرت نفس خود شمرد

لهذا بجان ودل بقدر امکان بکوشد که جلب سعادت و منفعت از برای عموم بشر و دفع مضرت از عموم ملل نماید. و در علویت و نورانیت و سعادت عموم انسان بکوشد فرقی در میان نگذارد زیرا عالم انسانیرا یک خاندان داند. و عموم ملل را افراد آن خاندان شمرد بلکه هیئت اجتماعی بشر را شخص واحد انگارد و هر یک از ملل را عضوی از اعضا شمرد. انسان باید علویت همتش باین درجه باشد تا خدمت باخلاق عمومی کند و سبب عزت عالم انسانی گردد.

حال قضیه بر عکس است جمیع ملل عالم در فکر ترقی خویش و تدنی سائرینند بلکه در فکر جلب منفعت خود و مضرت دیگرانند و این را تنازع بقا شمردند و گویند اساس فطری عالم انسانیت. ولی این بسیار خطاست بلکه خطائی از این اعظم نه سبحان الله در بعضی از حیوانات تعاون و تعاضد بقا است. ملاحظه میشود که در مورد خطر بر یکدیگر سبقت میگیرند.

روزی در کنار نهری صغیر بودم ملخهای صغیر که هنوز پر بر نیاورده بجهت تحصیل رزق از این طرف نهر بطرف دیگر عبور میخواستند لهذا آن ملخهای بی بال و پر هجوم نمودند و هر یک بر دیگری سبقت گرفتند و خود را در آب ریختند تا مانند پلی از اینطرف نهر تا آنطرف نهر تشکیل نمودند و ملخهای دیگر از روی آنها عبور کردند و از آن سمت نهر بسمت دیگر گذشتند ولی آن ملخهایی که در روی آب پلی تشکیل نموده بودند هلاک شدند.

ملاحظه کنید که این تعاون بقاست نه تنازع بقا. مادام حیوانات را چنین احساسات شریفه. دیگر انسان که اشرف کائنات است چگونه باید باشد و چگونه سزاوار است علی الخصوص که تعالیم الهیه و شرایع سماویه انسانرا مجبور بر این فضیلت مینماید و در نزد خدا امتیازات ملیه و تقاسیم وطنیه و خصوصیت عائله و قیود شخصییه مذموم و مردود است.

جميع انبيای الهی مبعوث و جميع کتب سماوی بجهت این مزیت و فضیلت نازل شده. و جميع تعالیم الهی محصور در این است که این افکار خصوصیت منافع از میان زائل گردد و اخلاق عالم انسانی تحسین شود. و مساوات و مواسات بین عموم بشر تأسیس گردد تا هر فردی از افراد جان خویش را بجهت دیگران فدا نماید. این است اساس الهی این است شریعت سماوی و چنین اساسی متین جز بیک قوت کلیه قاهره بر احساسات بشریه تأسیس نیابد. زیرا هر قوتی عاجز است مگر قوت روح القدس و نفثات روح القدس چنان انسانرا منقلب نماید که بکلی اخلاق مبدل گردد ولادت ثانویه یابد و بنابر محبت الله که محبت عموم خلق است. و مآء حیات ابدیه و روح القدس تعمید یابد. فلاسفه اولی که نهایت همت در تحسین اخلاق داشتند و بجان و دل کوشیدند ولی نهایت تربیت اخلاق خویش توانستند نه اخلاق عمومی. بتاريخ مراجعت نمائید واضح و مشهود گردد.

ولی قوه روح القدس تحسین اخلاق عمومی نماید. عالم انسانیرا روشن کند. علویت حقیقی مبذول دارد. و عموم بشر را تربیت کند. پس خیر خواهان عالم باید بکوشند تا بقوت جاذبه تأییدات روح القدس را جذب کنند امیدم چنان است که آن جمع محترم انجمن خیری عالم انسانی مانند آئینه اقتباس انوار از شمس حقیقت نمایند و سبب تربیت اخلاق عموم بشر گردند. و خواهش آن دارم که نهایت احترام من در حق آن هیئت عالیقدر مقبول شود. ع ع

